یادداشت
NEWS

مهدی محمدی
رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد آلیاژی

هنوز دهمین تولیدکننده فولاد جهانیم

گزارش تازه انجمن جهانی فولاد درباره جایگاه تولیدکنندگان بزرگ جهان، بحثی قابل توجه در فضای صنعتی کشور برانگیخته است. در این گزارش ادعا شده که ویتنام در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶ با تولید ۶.۴ میلیون تن فولاد، به رتبه دهم جهان رسیده و جایگاه ایران را تصاحب کرده است. با این حال بررسی داده‌های داخلی نشان می‌دهد این ارزیابی با واقعیت‌های آماری صنعت فولاد ایران همخوانی ندارد. بر پایه آمارهای انجمن تولیدکنندگان فولاد آلیاژی ایران ــ که با داده‌های سایر مراجع رسمی نیز انطباق دارد ــ تولید فولاد کشور در بازه زمانی ابتدای دی‌ماه تا پایان اسفند ۱۴۰۴، که تقریباً معادل سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ میلادی است، به ۷ میلیون و ۲۶۰ هزار تن رسیده است؛ رقمی که حدود ۸۶۰ هزار تن بیشتر از تولید اعلام‌شده برای ویتنام است و نشان می‌دهد ایران همچنان جایگاه دهم تولید فولاد جهان را حفظ کرده است. این بازه زمانی که تقریباً از ۱۱ دی ۱۴۰۴ تا ۱۱ فروردین ۱۴۰۵ را در بر می‌گیرد، مبنای تطبیق آمارهای داخلی با گزارش‌های بین‌المللی قرار گرفته است. در این چارچوب، ایران پس از برزیل که حدود ۸.۱ میلیون تن فولاد تولید کرده، همچنان در رده دهم تولیدکنندگان جهان قرار دارد. اهمیت این جایگاه تنها در یک رتبه‌بندی آماری خلاصه نمی‌شود؛ صنعت فولاد برای اقتصاد ایران نقشی راهبردی دارد و از پیشران‌های اصلی توسعه صنعتی، اشتغال و ارزآوری محسوب می‌شود. از همین رو، دقت در بازتاب داده‌های تولیدی و پرهیز از برداشت‌های نادرست آماری، برای تصویر واقعی از ظرفیت‌های صنعتی کشور اهمیت فراوانی دارد. در عین حال، صنعت فولاد ایران در ماه‌های اخیر با چالش‌هایی نیز مواجه بوده است. حمله‌ای که در هفتم فروردین‌ماه امسال به برخی واحدهای بزرگ فولادی کشور از جمله فولاد مبارکه و فولاد خوزستان صورت گرفت، می‌تواند بر روند تولید کوتاه‌مدت اثرگذار باشد؛ بنابراین ضرورت تسریع در بازسازی این واحدها را دوچندان کرده است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده هرگونه اختلال در زنجیره تولید فولاد، نه‌تنها بر صادرات و بازارهای خارجی اثر می‌گذارد، بلکه صنایع پایین‌دستی و شبکه گسترده‌ای از کسب‌وکارهای وابسته را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.
در شرایط کنونی، تأمین پایدار انرژی برای صنعت فولاد به ضرورتی راهبردی تبدیل شده است. تولید فولاد ایران در سال ۱۴۰۴ از مرز ۳۲ میلیون تن فراتر رفت، اما نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود تنها حدود ۶۳ درصد بود؛ رقمی که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از توان صنعتی کشور همچنان بلااستفاده مانده است. در مقابل، ویتنام که در سال ۲۰۲۵ با تولید ۲۴.۷ میلیون تن در رتبه یازدهم جهان قرار داشت، مسیر رو به رشدی را طی می‌کند و تولید فولاد آن در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ نیز حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است. از این رو، حفظ جایگاه جهانی صنعت فولاد ایران نیازمند سیاستی روشن برای تأمین پایدار برق و گاز، بازسازی سریع واحدهای آسیب‌دیده و افزایش بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود است.

بازار سرمایه؛ موتور بازسازی صنایع آسیب‌دیده

بازسازی صنایع تخریب‌شده پس از جنگ نیازمند منابعی کلان و سازوکارهای مالی نوین است؛ جایی که بازار سرمایه با ابزارهای متنوع می‌تواند به بازوی راهبردی احیای تولید ملی تبدیل شود

حمیدرضا بیاتی‌نیا
روزنامه نگار

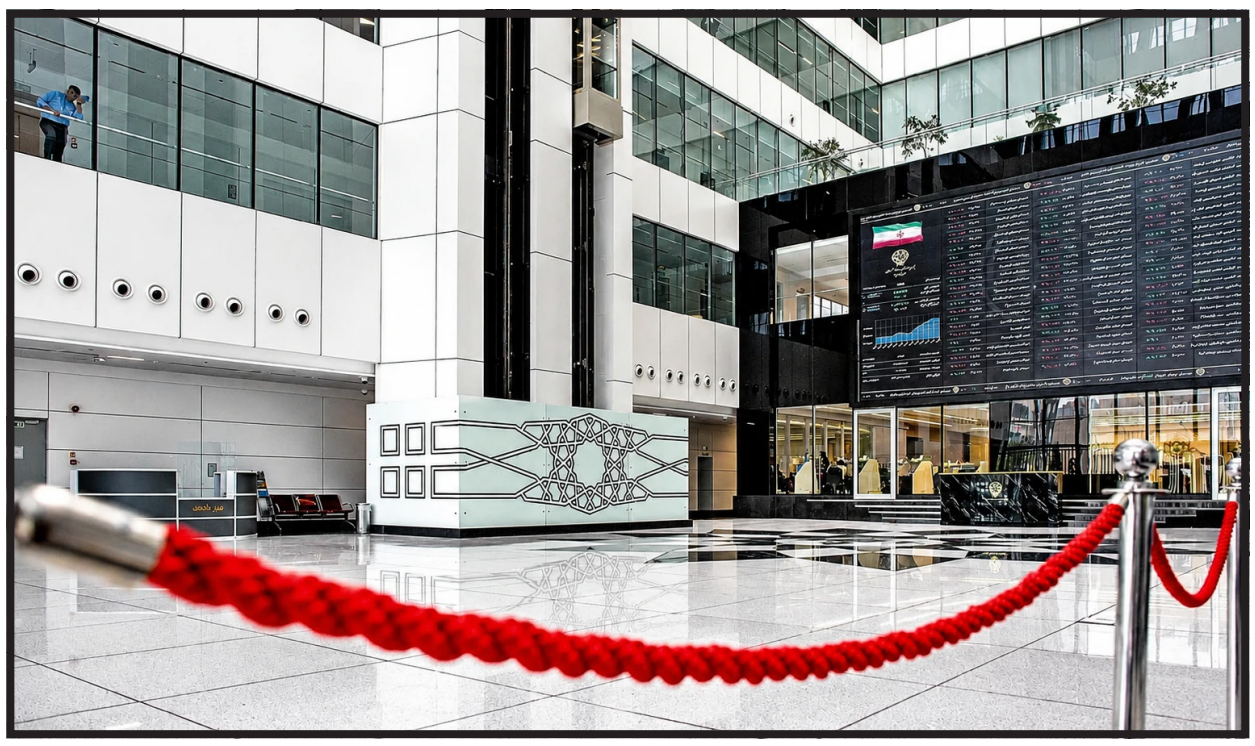

بازسازی صنایع آسیب‌دیده در پی جنگ تحمیلی رمضان، صرفاً یک پروژه عمرانی یا صنعتی نیست، بلکه آزمونی برای توان حکمرانی اقتصادی در تجهیز منابع، مدیریت ریسک و بازگرداندن ثبات به چرخه تولید ملی است. در شرایطی که بخشی از زیرساخت‌های کلیدی کشور با آسیب‌های جدی مواجه شده و احیای ظرفیت‌های تولیدی مستلزم منابع مالی کلان و افق برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت است، انتخاب سازوکار تأمین مالی اهمیتی راهبردی می‌یابد. بازار سرمایه، به‌واسطه شفافیت نهادی، تنوع ابزارهای مالی و قابلیت بسیج پس‌اندازهای خرد و سرمایه‌های نهادی، می‌تواند به کانون اصلی این فرآیند بدل شود. تجربه اقتصادهای بحران‌دیده نشان می‌دهد هرگاه تأمین مالی بازسازی بر پایه ابزارهای بازارمحور، پروژه‌محور و قابل نظارت عمومی طراحی شده، هم سرعت تجهیز منابع افزایش یافته و هم اعتماد سرمایه‌گذاران تقویت شده است. در چنین چارچوبی، انتشار اوراق مالی، ایجاد صندوق‌های تخصصی و هدایت هدفمند سرمایه‌ها به طرح‌های بازسازی، نه‌تنها بار مالی دولت را تعدیل می‌کند، بلکه مشارکت مستقیم بخش خصوصی و مردم را در احیای صنایع کلیدی ممکن می‌سازد. اکنون بازار سرمایه می‌تواند از یک بستر معاملاتی صرف، به بازوی راهبردی بازسازی تولید ملی ارتقا یابد.

> در اقتصادهای آسیب‌دیده از جنگ، نقدشوندگی پایین اوراق و ریسک بازگشت تنش‌ها چالش اصلی است؛ طراحی ابزارهای منعطف می‌تواند جریان سرمایه را به پروژه‌های بازسازی هدایت کند

ظرفیت‌های کلیدی

سهیلا نقی‌پور، کارشناس بازار سرمایه، با تأکید بر نقش این بازار در بازسازی صنایع کلیدی پس از جنگ رمضان، معتقد است که فولاد و پتروشیمی به دلیل سرمایه‌بری بالا، پیچیدگی فناوری و سهم قابل توجه در صادرات و اشتغال، بیش از سایر بخش‌ها نیازمند سازوکارهای تأمین مالی بلندمدت و قابل اتکا هستند. او می‌گوید تخریب این صنایع نه‌تنها به توقف خطوط تولید منجر شده، بلکه اثرات آن در سطح تولید ناخالص داخلی و زنجیره‌های پایین‌دستی نیز احساس می‌شود. به باور نقی‌پور، نظام بانکی با ماهیت کوتاه‌مدت تسهیلات و محدودیت منابع، نمی‌تواند بار بازسازی چنین صنایعی را به‌تنهایی بر دوش بکشد و لازم است بازار سرمایه با تنوع ابزارها و توان جذب سرمایه‌های خرد و نهادی وارد عمل شود.
وی انتشار اوراق مالی اسلامی مانند مرابحه، اجاره و استصناع را مناسب‌ترین روش برای نوسازی خطوط تولید و تأمین تجهیزات سنگین می‌داند؛ ابزارهایی که پشتوانه‌دار، قابل ارزیابی و سازگار با موازین شرعی‌اند و می‌توانند نیاز صنایع بزرگ به منابع پایدار را پوشش دهند. نقی‌پور توضیح می‌دهد که اوراق استصناع به‌ویژه برای تأمین مالی ساخت تجهیزات تخصصی که در جنگ آسیب دیده یا از بین رفته‌اند، کارآمد است. او همچنین تأکید دارد که شرکت‌های فولادی و پتروشیمی با ارائه اطلاعات دقیق از خسارات و برنامه‌های بازسازی، می‌توانند از مسیر عرضه اولیه سهام یا افزایش سرمایه نقدی، منابع قابل توجهی جذب کنند و همزمان سطح نظارت سهامداران را افزایش دهند.

ابزارهای کارآمد

نقی‌پور یکی از راهکارهای مؤثر در تجهیز منابع برای بازسازی صنایع آسیب‌دیده را ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی عنوان می‌کند؛ صندوق‌هایی که با جذب سرمایه‌های خرد و نهادی و توزیع ریسک میان پروژه‌های مختلف، می‌توانند بار مالی پروژه‌های بزرگ صنعتی را کاهش دهند. این صندوق‌ها، به دلیل سازوکار شفاف و امکان گزارش‌دهی مستمر، مناسب صنایعی هستند که نیازمند بازسازی مرحله‌ای و طولانی‌مدت‌اند. او توضیح می‌دهد که ترکیب این صندوق‌ها با انتشار اوراق مبتنی بر دارایی، می‌تواند یک ساختار چندلایه و پایدار برای تأمین مالی صنایع فولادی و مجتمع‌های پتروشیمی ایجاد کند. با وجود این ظرفیت‌ها، نقی‌پور بر این باور است که بازار سرمایه بدون وجود اطلاعات شفاف و ارزیابی دقیق خسارت‌ها نمی‌تواند نقش خود را به‌طور کامل ایفا کند. او اشاره می‌کند که تعیین میزان واقعی آسیب‌دیدگی صنایع پس از جنگ، به دلیل نبود داده‌های میدانی قابل اتکا، چالشی اساسی است و همین موضوع می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش دهد. از سوی دیگر، ریسک بازگشت تنش‌ها، تحریم‌های بین‌المللی و احتمال توقف پروژه‌ها از مهم‌ترین عوامل بازدارنده مشارکت بلندمدت محسوب می‌شوند. به گفته او، در اقتصادهای جنگ‌زده، رکود بازار ثانویه و نقدشوندگی پایین اوراق نیز از موانع مهم تأمین مالی پروژه‌هاست و در صورت عدم رفع این چالش‌ها، جریان سرمایه به سمت پروژه‌های بازسازی محدود خواهد شد.

الزامات حمایتی

این کارشناس بازار سرمایه تأکید می‌کند که امکان تأمین مالی بازسازی از مسیر بازار سرمایه «مثبت اما مشروط» است و بدون پشتوانه‌های حاکمیتی تحقق نمی‌یابد. او توضیح می‌دهد که تجربه کشورهایی که پس از جنگ وارد دوره بازسازی شده‌اند نشان می‌دهد دولت باید برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاران، ضمانت‌های بودجه‌ای و حقوقی مشخصی برای بازپرداخت اوراق و استمرار پروژه‌ها ارائه کند. نقی‌پور پیشنهاد می‌کند که دولت مجموعه‌ای از قوانین ویژه بازسازی را تدوین کند؛ قوانینی شامل معافیت‌های مالیاتی بلندمدت برای سرمایه‌گذاری در مناطق آسیب‌دیده، انتشار سریع‌تر اوراق، و ایجاد یک نهاد مستقل تحت عنوان «صندوق بازسازی صنایع راهبردی» که مسئول نظارت بر پروژه‌ها و هدایت منابع باشد. چنین نهادی می‌تواند هم فرآیند ارزیابی خسارات و هم نحوه تخصیص منابع را شفاف‌تر کند و اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش دهد. او تصریح می‌کند که بازار سرمایه اگرچه نقشی مکمل اما ضروری در احیای فولاد و پتروشیمی دارد و ابزارهایی مانند اوراق مالی اسلامی، افزایش سرمایه و صندوق‌های پروژه ظرفیت تأمین مالی بلندمدت را فراهم می‌کنند، اما اتکا صرف به آن ممکن نیست. به گفته او، بازسازی واقعی تنها با ترکیب منابع بودجه‌ای، کمک‌های بین‌المللی و مشارکت مستقیم مردم از طریق بازار سرمایه می‌تواند تحقق یابد و راهبردی جامع و پایدار بسازد.

نقش تکمیلی

مهدی طغیانی، نایب‌رئیس اول کمیسیون اقتصادی مجلس، با اشاره به ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی برای بازسازی صنایع آسیب‌دیده در جنگ، بر اهمیت تأمین مالی این فرآیند از مسیر بازار سرمایه تأکید می‌کند. به باور او، بازدید اخیر رئیس و مدیران ارشد سازمان بورس از فولاد مبارکه تنها یک اقدام تشریفاتی نبود، بلکه فرصتی عملی برای مشاهده مستقیم ابعاد خسارت‌ها و دریافت ارزیابی دقیق از وضعیت خطوط تولید، تجهیزات و زیربناهای آسیب‌دیده فراهم کرد. او می‌گوید چنین بازدیدهایی باعث می‌شود نهادهای اقتصادی با واقع‌بینی بیشتری درباره نیازهای مالی و فنی بازسازی تصمیم‌گیری کنند و هماهنگی میان دستگاه‌ها افزایش یابد.
طغیانی توضیح می‌دهد که در جریان این بازدید، پیشنهادهایی مشخص برای بازسازی صنعت فولاد مطرح شده است؛ از جمله ایده تشکیل «صندوق بازسازی» که می‌تواند به‌عنوان الگویی فراگیر برای سایر صنایع تخریب‌شده نیز به کار گرفته شود. این صندوق‌ها به گفته او بستری فراهم می‌کنند تا سرمایه‌گذاران خرد و نهادی در فرآیند بازسازی مشارکت کنند و در مقابل، سود حاصل از سرمایه‌گذاری دریافت کنند. صنایع نیز می‌توانند پس از تکمیل بازسازی و بازگشت به تولید، نسبت به بازخرید اوراق منتشرشده اقدام کنند. به اعتقاد او، این مدل هم نیاز تولیدکنندگان به نقدینگی را پوشش می‌دهد و هم بازدهی مناسبی برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند، بی‌آنکه فشار مستقیمی بر تراز بودجه دولت وارد شود.

ابزارهای حمایتی

طغیانی یادآور می‌شود که تأمین هزینه‌های بازسازی، به‌ویژه برای صنایعی که به‌طور مستقیم هدف حملات جنگی بوده‌اند، در اصل بر عهده دولت است؛ اما بازار سرمایه می‌تواند در کنار دولت نقش تکمیلی و بسیار مؤثر ایفا کند. او بازخوردها به پیشنهاد سازمان بورس برای ایجاد صندوق بازسازی فولاد را مثبت ارزیابی می‌کند و معتقد است این ابزار نه‌تنها امکان تجهیز منابع را تسهیل می‌کند، بلکه مشارکت مردمی و بخش خصوصی را نیز در فرآیند بازسازی افزایش می‌دهد.

نقشه احیای صنایع تخریب‌شده

۸۰۰ طرح سرمایه‌گذاری پساجنگ با برآورد ۲۰۰ میلیارد دلار تدوین شد

جنگ ۴۰ روزه تحمیلی رمضان، علاوه بر خسارت‌های انسانی و زیرساختی، ضربه‌ای سنگین به بدنه تولید کشور وارد کرد؛ ضربه‌ای که ابعاد آن اکنون در آمارها و برآوردهای رسمی آشکار شده است. بیش از سه هزار واحد صنعتی در این دوره آسیب دیده‌اند؛ از این میان حدود ۴۸۰ واحد به‌طور کامل تخریب شده و سایر واحدها با درجاتی از خسارت جزئی، متوسط و سنگین مواجه شده‌اند. این ارقام تنها بیانگر تخریب فیزیکی نیست، بلکه نشان‌دهنده اختلال در زنجیره‌های تأمین، کاهش ظرفیت تولید و تهدید اشتغال هزاران نیروی کار است. در چنین شرایطی، بازسازی صنعتی صرفاً یک اقدام عمرانی تلقی نمی‌شود، بلکه به پروژه‌ای ملی برای تثبیت اقتصاد، صیانت از اشتغال و بازگرداندن ثبات به بازارها تبدیل شده است. دولت اعلام کرده طبقه‌بندی واحدهای آسیب‌دیده انجام‌شده و بسته‌های حمایتی متناسب با سطح خسارت در حال اجراست؛ محور اصلی این سیاست‌ها، احیای سریع ظرفیت‌های تولیدی و جلوگیری از تعمیق رکود در بخش صنعت است.

ابعاد خسارت

بر اساس ارزیابی‌های اولیه، دامنه خسارت‌ها گسترده و در برخی بخش‌ها راهبردی بوده است. در جریان حملات، بخشی از زیرساخت‌های صنعت فولاد و صنایع وابسته هدف قرار گرفت و کارخانه‌های فولاد مبارکه اصفهان و فولاد خوزستان در دو نوبت هفتم و یازدهم فروردین با توقف کامل فعالیت روبه‌رو شدند. فولاد اکسین اهواز و فولاد سفیددشت نیز آسیب دیدند. برآوردها نشان می‌دهد بازگشت فولاد مبارکه به مدار تولید بین دو تا سه سال زمان خواهد برد و احیای کامل فولاد خوزستان شش ماه تا یک سال به طول می‌انجامد. کاهش عرضه فولاد در کوتاه‌مدت می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و حتی نیاز مقطعی به واردات، به‌ویژه از چین، منجر شود. در واکنش به این وضعیت، دولت صادرات فولاد را متوقف و تأمین نیاز داخلی را در اولویت قرار داده است.
هم‌زمان وزارت امور اقتصادی و دارایی از تدوین ۸۰۰ فرصت سرمایه‌گذاری پساجنگ خبر داده که برای ۳۰۰ طرح آن مطالعات امکان‌سنجی و شاخص‌های اقتصادی به زبان انگلیسی و با مبنای ارزی تهیه و در سامانه سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران بارگذاری شده است. ارزش مجموع این طرح‌ها حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و حوزه‌هایی چون نفت، گاز، پتروشیمی، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع پیشران را در بر می‌گیرد. این بسته سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد رویکرد دولت تنها به جبران خسارت محدود نیست، بلکه توسعه ظرفیت‌های جدید را نیز مدنظر دارد.

سیاست‌های حمایتی

در کنار برنامه‌های کلان، حمایت‌های مستقیم از واحدهای آسیب‌دیده نیز آغاز شده است. پرداخت تسهیلات ۴۰ میلیون تومانی به ازای هر نیروی کار برای صاحبان کسب‌وکارهای خسارت‌دیده با دوره بازپرداخت شش‌ماهه، یکی از این اقدامات است که با هدف حفظ اشتغال و جلوگیری از تعطیلی کامل بنگاه‌ها اجرا می‌شود. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، بسته ویژه‌ای برای ایرانیان مقیم خارج تدوین شده که شامل معافیت‌های مالیاتی و گمرکی است. پیام اصلی این بسته، به تعبیر مسئولان، دعوت از سرمایه‌های ایرانی برای بازگشت و مشارکت در بازسازی ملی است. رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران با اشاره به تعدد مجوزها، از آمادگی این سازمان برای پیگیری یکپارچه مجوزهای کلیدی پروژه‌های مهم خبر داده و اعلام کرده پروژه‌های اولویت‌دار به‌صورت مستمر رصد می‌شوند. همچنین کارگروه‌های ویژه‌ای در استان‌ها برای تسریع فرایند سرمایه‌گذاری تشکیل خواهد شد. در بخش پتروشیمی نیز اگرچه برخی واحدها با وقفه‌های موقت مواجه شده‌اند، برنامه رسمی بر بازگرداندن کامل ظرفیت تولید استوار است.